



ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 54

Date of filing: 15 FEB 1984

** AWARD - Type of Award _____
- Date of Award _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of MR. RICHARD M. MOSK
- Date 20-12-83
_____ pages in English 12 pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL
دادگاه داری دعوی ایران - ایالات متحده

ثبت شد - FILED
Date ۱۳۶۲ / ۱۱ / ۲۴
15 FEB 1984

No 54 AE

DUPLICATE ORIGINAL
نسخه برابر اصل

دیمزاند مور،

خواهان ،

- و -

جمهوری اسلامی ایران ،

سازمان انرژی اتمی ایران ،

شرکت ملی صنایع فولاد ایران ،

مرکز پزشکی ایران ،

شرکت ملی گاز ایران ،

خوانندگان .

پرونده شماره ۵۴

شعبه سه

حکم شماره ۵۴-۳ - ۹۷



نظر مخالف ریچارد ام. ماسک در مورد ردا دعا بدلیل عدم صلاحیت

اینجانب با آن قسمت از حکم دیوان که ادعای علیه خواننده ، سازمان انرژی اتمی ایران ("انرژی اتمی") را به دلایل مربوط به صلاحیت رد می کند ، مخالف و باقیه حکم موافقم .

بموجب بند ۱ ماده دو بیانییه حل و فصل دعوی^(۱) ادعاهای ناشی از دیون ، قراردادهای (از جمله معاملاتی که موضوع اعتبار اسنادی و ضمانتنامه بانکی باشند) ، سلب مالکیت ها یا هر نوع اقداماتی که بر حقوق مالکیت تاثیر بگذارد ، در حیطه شمول صلاحیت دیوان قرار می گیرند . . . دعوی ناشی از قراردادهای تعهدآور فیما بین که در آن قراردادهای مشخصا " رسیدگی به اختلافات مربوطه در صلاحیت انحصاری دادگاههای

(۱) بیانییه دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر در باره حل و فصل ادعاهای توسط دولت ایالات متحده آمریکا و دولت جمهوری اسلامی ایران ، مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) .

مالحه ایرانی قرارداد شده باشد... از این امر مستثنی هستند".

خواننده ، انرژی اتمی با اظهار این مطلب به صلاحیت دیوان ایراد گرفته که در قرارداد منعقد بین وی و شرکت خارجی متعلق به خواهان ، یعنی دیمزانسد مور اینترنشنال اس.آر.ال ، ماده ای وجود دارد که قرارداد را مشمول قید استثنای مذکور در فوق (یا قید نهائی) بند ۱ ماده دومی سازد. شرط قراردادی مورد اشاره به شرح زیر است :

۱۶- ۱۵ حل اختلافات

در صورت عدم حصول توافق ، این گونه اختلافات به هیئت مصالحه ارجاع خواهد شد. هر طرف حق دارد یک نفر مصالحه دهنده منصوب کند و مصالحه دهنده سوم را سازمان برنامه و بودجه دولت ایران نصب خواهد کرد. هرگاه هر یک از طرفین مایل نباشد که تصمیم هیئت مصالحه را بپذیرد ، راجع به مسئله نهایتاً " با رجوع به دادگاه های ایران تصمیم گرفته خواهد شد .

دیوان عمومی نظرداده است که صلاحیت رسیدگی به پرونده دیگری را که دارای ماده قراردادی مشابهی است ندارد^(۲) تی.سی.اس.بی. اینکورپوریتد علیه ایران ، حکم عددی شماره ۱۴۰-۵ دیوان عمومی ۵ نوامبر ۱۹۸۲ (۱۴ آبان ماه ۱۳۶۱) (Iran-U.S. C.T.R. 261, 264-67) 1 خواهان ضمن مخالفت با تصمیم متخذ در آن پرونده ، پذیرفته است که قید انتخاب مرجع رسیدگی در ایران که در پرونده تی.سی.اس.بی مطرح است ، قابل تمیز از ماده ۱۶-۱۵ قرارداد پرونده حاضر ، نیست . با آنکه این جانب به این عقیده خویش پای بندم که اینگونه قیود قراردادی از دیوان دآوری نیست به ادعای صلاحیت نمی کند . (رجوع کنید به نظر موافق و مخالف ریچارد ام. ماسک پیرامون موضوع صلاحیت در پرونده های شماره ۶۸،۵۱،۰۶ ، ۱۲۱،۱۴۰،۱۵۹،۲۵۴،۲۹۳ و ۵/۴۶۶ نوامبر ۱۹۸۲ (۱۴ آبان ماه ۱۳۶۱))

(Iran-U.S. C.T.R. 305) 1 با اینحال ، من به قطعیت و لازم الاتباع بودن رای دیوان

(۲) این ماده از این پس بعنوان "قید انتخاب مرجع رسیدگی در ایران" مورد اشاره قرار می گیرد .

عمومی کردن می نهم .

معهدا ، خواهان استدلال می کنندکه علیرغم فقدان صلاحیت دیوان جهت رسیدگی به ادعای وی که براساس نقض قرارداد اقامه گردیده ، بازمی تواند ادعای خود را علیه سازمان انرژی اتمی به اتکاء نظریه اجرت المثل یا صورت حساب ابرازی مطرح سازد ، یعنی نظریه هایی که خواهان بنحوتخییری بجای ادعای نقض قرارداد ، در دادخواست تسلیمی خود بدان استنادجسته است .

دادگاه بدون بحث یا تحلیل حقوقی قابل ملاحظه ای ، نظرات خواهان را رد می کند و در واقع اظهار می دارد که چون قیدانتخاب مرجع رسیدگی در ایران که در قرارداد فیما بین آمده ، نافی صلاحیت دیوان به رسیدگی به ادعای مربوط به قرارداد است ، بنابراین دیوان صلاحیت رسیدگی به ادعاهای تخییری مبتنی بر اجرت المثل یا صورت حساب ابرازی را که براساس اجرای آن قرارداد اقامه شده ، ندارد . (۳)

بیانیه حل و فصل دعاوی تنها ادعاهائی را از صلاحیت دیوان خارج می سازد "که ناشی از قرارداد تعهدآور فیما بین بوده و در آن قرارداد مشخصا " رسیدگی به اختلافات مربوطه منحصر " در صلاحیت دادگاههای مالحه ایران قرار داده شده باشد . . . " بند ۱ ماده دو (تاکیداضافه شده است) همانطور که دادگاهی خاطرنشان ساخته " عبارت " arising under " در قیود مربوط به داوری مفهوم بالنسبه محدودی دارد " .
Sinva, Inc. V. Merrill, Lynch, Pierce, Fenner & Smith, 253 F. Supp. 359, 364 (S.D.N.Y. 1966) .

بعنوان مثال عبارت " arising out of " مفهوم بمراتب محدودتری از عبارت " arising under " دارد که قیدمتدا ولی در داوری است . رجوع کنید به قید نمونه داوری

(۳) رای دیوان در مورد ادعای مبتنی بر صورت حساب ابرازی ابهام آمیز است . به نظر می آید که دیوان می پذیرد که می توان ادعای بر مبنای صورت حساب ابرازی را که قرارداد حد اگانه ای محسوب می شود ، مطرح ساخت . دیوان ظاهرا " به اصل دعوی پرداخته ، اما نتیجه گرفته است که صلاحیت رسیدگی به آنرا ندارد .

که در قواعد آنسترال آمسده است . بنا براین ، یک ادعا ممکن است مربوط به یک قرارداد باشد اما نمی تواند از آن قرارداد دناشی شده باشد . ادعائی که از یک قرارداد دناشی می شود ادعائی است جهت اجرای تعهدات قراردادی یا

حبران خسارات نقض این تعهدات . رجوع کنید به :
Management Investors V. United Mine Workers of America, 610 F. 2d 384, 390 (6 th Cir. 1979).

کسی که ادعائی دارد که از یک قرارداد دناشی شده و علاوه ادعای دیگری که وابسته به آن ولی غیر قراردادی (حتی متناقض) باشد ، می تواند هر دوی این ادعاها را ، هما نظور که خواهان در پرونده حاضر عمل کرده است ، بنحوتخییری مطرح سازد . هیچ شرطی در قواعد دیوان نیست که مانع اقامه دعوی بنحوتخییری گردد . در واقع ، طرح دعاوی به نحوتخییری بطور گسترده ای پذیرفته شده است . بعنوان مثال رجوع کنید به :

36 Halsbury's Laws of England §44 at 35 (4th ed. 1981);
Lena Goldfields Arbitration §23 (1930) reprinted in 36 Cornell L.Q. 42, 50-51 (1950); A. von Mehren and J. Gordley, The Civil Law System 165 (2d ed. 1977).

مسئله صلاحیت در پرونده حاضر بدین نحو مطرح می شود که آیا ادعای اجرت المثل یا ادعای صورت حساب اسرازی از قرارداد حاوی قید انتخاب دادگاه در ایران ناشی شده یا نه ؟ چنانچه این ادعاها از قرارداد مذکور ناشی نشده باشند ، در این صورت دیوان صلاحیت رسیدگی به آنها را دارد .

ادعاهای مبتنی بر نظریه های شبه قراردادی ، از قبیل اجرت المثل ، استرداد و دارا شدن بلاجهت ، دیرزمانی است که در حقوق بین الملل و همچنین در قوانین ایران و ایالات متحده پذیرفته شده است . رجوع کنید به :

3 Whiteman, Damages in International Law 1732-61 (1934);
12 Williston on Contracts §§ 1495-1459A at 68-108 (3rd ed. 1970);
Restatement of the Law, Restitution §§1, 108 (193);

قانون مدنی ایران ، مواد ۳۰۱ تا ۳۰۶ و ۳۳۶ ، حیدریان : مبادی علم حقوق ، مطالعه تطبیقی . ص ۲۴۰ ، ۳۵۰

اصل حقوقی اجرت المثل ، مبتنی بر قبول این مطلب است که یک وظیفه حقوقی برای پرداخت در ازاء خدمات دریافتی وجود دارد . حتی که بر اساس اجرت المثل بوجود می آید ناشی از دینی است که با اعمال اصل حقوقی دارا شدن بلاجهت ایجاد می شود . دیوان صلاحیت رسیدگی به ادعاهای ناشی از "دیون" را داراست . بنده ماده دوسوم حل و فصل دعاوی . و تعهدی

که طبق اصل حقوقی اجرت المثل ، و در نتیجه طبق قانون ، بوجود می آید "دین" در مفهوم بند ۱ ماده دویسیا نیه حل و فصل دعاوی است . بعلاوه ، دیوان قبلای پذیرفته است که صلاحیت رسیدگی به دعاوی مبتنی بردار شدن بلاجهت را دارد . رجوع کنید به : بنحامین آر. ایسایا علیه بانک ملت ، حکم شماره ۲۵ - ۲۱۹ - ۳۵ (۳۰ مارس ۱۹۸۳ برابر با ۱۰ فروردین ماه ۱۳۶۲) .

در نتیجه دیوان صلاحیت رسیدگی به ادعاهای مبتنی بر اجرت المثل را دارد .

با آنکه ادعا یا بت اجرت المثل می تواند به یک ادعای قراردادی مربوط شود یا اینحال ، این ادعا ، به طوریکه خود انرژی اتمی اظهار نموده "برمبنای کاملاً متفاوت و مستقلی استوار است و علی الامول تعاریف ادعاهای ناشی از اصل دارا شدن بلاجهت ، که در قوانین کشورهای مختلف آمده است ، این استنباط روشن را به دست میدهد که این دعاوی ، اساسی غیر از قرارداد دارند" . جوابیه متقابل سازمان انرژی اتمی ، صفحه ۷ انگلیسی (ثبت در تاریخ ۱۳ ژانویه ۱۹۸۳ (۲۳ دیماه ۱۹۶۱) . ادعای مبتنی بر اجرت المثل ، حدا و مستقل از ادعای نقض قرارداد است . بنوشته یکی از ما حینظران ، ادعاهای مبتنی بردار شدن بلاجهت "یک مقوله مستقل از اقدامات حقوقی است بر مبنای تعهداتی که باید آنها را از ادعاهای ناشی از قرارداد دویا شه جرم ، متمایز دانست" .

Zweigert and Müller- Gindullis, "Quasi- Contract", Ch.

30 in III International Encyclopedia of Comparative Law 4 (undated)

حیران اجرت المثل ، محدود به ارزش معقول خدمات خواهان است ، در حالیکه تاوان نقض قرارداد ، شخص را مستحق دریافت خساراتی می کند که در نتیجه آن ، شخص در همان موقعیتی قرار می گیرد که در صورت اجرای قرارداد ، قرار می گرفت . رجوع کنید به :

Treitel, "Remedies for Breach of Contract", Ch. 16 in VII International Encyclopedia of Comparative Law 27 (1976) .

برای احراز وقوع نقض قرارداد ، مدعی باید وجود قرارداد معتبر ، اجرای تعهد خود و نقض قرارداد را اثبات کند . معمولاً نیازی نیست که طرف ، ارزش خدمات انجام شده را نشان دهد . ادعائی که بر اساس اجرت المثل بعمل می آید برخلاف ادعائی که مبتنی بر نقض قرارداد است ، با تعیین ارزش واقعی خدمات انجام شده را بردوان خواهان می گذارد . بدینسان ، ادعائی که بر اساس اجرت المثل مطرح شده ، به واقعیتها و موضوعاتی حقوقی می پردازد که با واقعیات و موضوعات مطرح در ادعای مبتنی بر قرارداد

متفاوت است .

بنابراین ، ادعای مبتنی بر اجرت المثل ، مستقل از هر ادعای قراردادی است که ممکن است وجود داشته باشد و موحد خساراتی است که با خسارت ناشی از ادعای قراردادی متفاوت است . نمیتوان گفت که چنین ادعای مبتنی بر اجرت المثل از قرارداد ناشی شده است . در نتیجه ، قید استثنای آخر بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعوی آنرا از حیطه صلاحیت دیوان خارج نمی کند .

همین تحزیه و تحلیل درباره ادعای صورت حساب ابرازی نیز صادق است . صورت حساب ابرازی توافقی است بین طلبکار و بدهکار راجع به مبلغ بدهی . چنین توافقی ممکن است تلویحا " از رفتار طرفین بوجود آمده باشد ، به این ترتیب که طلبکاری صورت حسابی به بدهکار بدهد و بدهکار این صورت حساب را بدون اعتراض برای مدتی که از خدمتعارف بیشتر است نگاه دارد و در نتیجه این استنباط را بوجود آورد که صورت حساب را پذیرفته است . رجوع کنید به :

Restatement (Second) of The Law of Contracts §282(1) (1981);⁴
15 Williston, supra §§ 1862-67 at 564-581;

مقایسه شود با قانون مدنی ایران ، ماده ۲۹۲(۱) .

ادعای مبتنی بر صورت حساب ابرازی مبتنی است بر یک موافقت جدید ، جداگانه و مستقل و بدین ترتیب مانع از برخی مدافعات از قبیل مرور زمان یا ایراد به صلاحیت مرجع رسیدگی است که در مورد ادعای مبتنی بر قرارداد اصلی قابل طرح می شود . رجوع کنید به :

6 Corbin on Contracts § 1309 at 247-49 (1962); 15 Williston, supra § 1862, note 11 at 566-67; see generally I. Jacob, Bullin and Leake and Jacob's Precedents of Pleadings 187-190 (12th ed. 1975) .

(۴) صورت حساب ابرازی مبین موافقت بدهکار و طلبکار نسبت به یک مبلغ اعلام شده به عنوان محاسبه صحیح مبلغ واجب الادا به طلبکار ، است . نگهداری صورت حساب ابرازی تسلیمی طرف دیگر توسط یک طرف به مدت طولانی غیر معارف و بدون همکوبه اعتراضی ، مبنی موافقت (با صورت حساب) است .

صورت‌حساب‌برازی فقط در صورتی مشمول قیاد استثنای نهائی مذکور در آخربند آمده دو بیانیه حل و فصل دعاوی است که بعنوان یک قرارداد حدگانه شامل قیاد انتخاب دادگاه در ایران باشد و این اوضاع و احوال در پرونده حاضر به چشم نمی‌خورد.

تضادی ندارد اگر خواننده از طرح ادعای قراردادی در این دیوان منع گردد و معذک اجازه یا بدیه صلاحیت دیوان در رابطه با دعاوی تخییری و مرتبط، استناد کنند. همان‌طور که فوقاً " اشاره شد دعاوی تخییری متضمن خسارات متفاوتی هستند که معمولاً کمتر از خساراتی است که به ادعای مستثنی شده تعلق می‌گیرد. علاوه بر آن، این امر غیر معقول نیست که خواهان بنحوی دادخواهی کند که در حیطه صلاحیت یک مرجع بخصوص قرار گیرد. بعنوان مثال، بکنفر مدعی در ایالات متحده میتواند از دعاوی خود که در صلاحیت انحصاری دادگاه فدرال است بگذرد تا یک دعوی ایالتی را در یک دادگاه ایالتی مطرح سازد.

بهین نحو، خواهان میتواند از بخشی از ادعای خود صرف نظر کند تا بتواند در دادگاهی اقامه دعوی کند که صلاحیت آن محدود به مبلغی است کمتر از آنچه که خواهان خود را مستحق بدریافت آن میدانند. در بعضی موارد، خواهان ممکن است ادعای خود را طوری تنظیم کند که خارج از صلاحیت یک دادگاه اداری قرار گیرد و در نتیجه قابل ارجاع به دادگاه (حقوقی - م) باشد. همچنین کاملاً معمول است که خواهان با طرح دعوی بنحو تخییری بخواهد اطمینان حاصل کند که اگر از یک طریق به نتیجه نرسید از طریق دیگر دعوی را ادا مدهد.

خواهان، در حال حاضر بر آنست که به‌حای طرح دعوی بر اساس نقض قرارداد در مرجعی دیگر، بر اساس اجرت‌المثل و صورت حساب ابزازی در محضر دیوان اقامه دعوی نماید. (۵)

(۵) با توجه به رای دیوان در این پرونده، خواهان، البته می‌تواند ادعای مبتنی بر نقض قرارداد در مرجع دیگری طرح کند. چنین نظرداده شده است که تصمیم‌گیری در مورد ادعای نقض قرارداد، الزاماً "پرونده را در رابطه با ادعای مطروحه بعدی بر اساس اجرت‌المثل مختومه نمی‌سازد و بالعکس. رجوع کنید به: Annot, 35 ALR 3d 874 (1971 and Supp. 1978).

لذا، خواهان برآن میشود که خسارات خاصی را مطالبه کرده و بارتیه مدارک اضافی را برعهده گیرد تا ادعائی را در دیوان مطرح سازد. براین اساس، دیوان دآوری با حفظ صلاحیت خود نسبت به ادعاهای تخییری، برخلاف آنچه که در حکم آمده قیاستثنای بیانیه حل و فصل دعاوی یا آراء دیوان عمومی را "بلاثر" ساخته و از آن ها طفره نرفته است.

بنابراین، من معتقدم که دیوان می بایست چنین رای می داد که صلاحیت رسیدگی به دعاوی مبتنی بر اجرت المثل و صورت حساب ابرازی را داراست. چنین رایی مبین آن نیست که این ادعاها، در حالت موجود، قابل رسیدگی از لحاظ قانونی هستند یا نیستند. برای حصول یک چنین نتیجه گیری دیوان می بایست تعیین نماید که آیا خواهان، با توجه به این واقعیت که قرار داد معتبری موجود است که شامل خدمات موضوع ادعاهای تخییری میشود، دلائل کافی برای اقامه دعوی بر اساس اجرت المثل یا صورت حساب ابرازی ارائه کرده است یا خیر. بنظر میرسد که این موضوع مربوط به قوانین ماهوی باشد، گوا اینکه دارای جنبه های شکلی است، ولی بهر حال، موضوعی مربوط به صلاحیت نیست.

دکترین های مختلفی در مورد انتخاب قانون وجود دارد که می توان از آنها برای تعیین قانون حاکم بر این مسئله حقوقی، استفاده نمود، رجوع کنید :

Zweigert and Müller Gindullis, "Quasi-Contract," supra.

دیوان مدرکی در دست ندارد تا بداند قوانین ایران درباره ماهیت مساله چگونه حکم میکند. همچنین دیوان مدارک و قرائن چندانی راجع به این موضوع در اختیار ندارد که سایر قوانین داخلی به این موضوع چگونه می پردازند.

السته من متوجه هستم که حتی در داخل ایالات متحده نیز این اختلاف نظر وجود دارد که آیا یک طرف دعوی میتواند بر اساس اجرت المثل که ناشی از خدمات انجام

شده تحت یک قرارداد معتبر باشد، اقامه دعوی نماید، یا خیر. مقایسه کنید:

Falls Sand and Gravel Co. v. Western Concrete, Inc., 270 F. Supp. 495, 505 (D. Mont. 1967) with Cole v. Benavides, 481 f. 2d 559, 561 (5th Cir. 1973).

با توجه به این اوضاع و احوال، من معتقدم که دیوان میتواند، و باید، بر اساس آنچه به نظرش معقول ترین و مناسبتترین قاعده است، تکلیف این مسئله حقوقی را روشن سازد. رجوع کنید به ماده پنج بیانیه حل و فصل دعاوی.

یک رساله مشهور پیرامون خسارات قراردادی، این موضوع را بطور کامل مورد بحث قراردادها و بجا است که بتفصیل از آن نقل قول کنیم:

چنانچه... شاکی فقط مقداری از کار را انجام داده و از انجام بقیه کار بر اثر ممانعت یا انکار یا ترک قرارداد از طرف خواننده، معذور شده باشد، میتواند ارزش کار انجام شده را مطالبه نماید:

" هرگاه طرفی در یک قرارداد تصریح، از تکمیل قرارداد، توسط طرف دیگر بطور خلاف منع، شود، می تواند به خاطر نقض قرارداد مطرح دعوی کند، که در این صورت میزان خسارات وی معادل ارزش بخش اجرا شده قرارداد خواهد بود که بر حسب قیمت قرارداد با ضافه سودهایی که در صورت تکمیل قرارداد طبق شرایط آن عایدش می گردید، تعیین می شود، یا اینکه شاکی می تواند قرارداد را نادیده گرفته، و بر اساس اجرت المثل یا ارزش جنس اقامه دعوی نماید، که در آن صورت میزان خسارات وی عبارت خواهد بود از ارزش عادلانه و معقول کاری که انجام داده."

معهدا، چنین خسارتی، فی الواقع لازم تر از آنچه که در صورت اجرای کامل تعهدیه وی تعلق می گرفت، نیست، چرا که در هر دو حالت، مدعی به نحو یکسان از مطالبه غرامت در یک دعوی قراردادی بابت خسارات، برخوردار است. همانطور که دادگاه خاطر نشان ساخته:

"یک مدعی که چنین وضعی دارد می تواند بر اساس اجرت المثل، و یا مشخصاً بر اساس قرارداد مطرح دعوی کند، و یا می تواند بر اساس هر دو تواماً طرح شکایت نماید. انتخاب یکی از این حقوق مطالبه خسارات قانوناً در حکم ردش دیگر نیست." و به طوریکه در یک دادگاه فدرال در مورد پرونده ای که بدع و نو می نماید، اعلام گردیده:

دکترین انتخاب نحوه مطالبه خسارت که بدین ترتیب مورد استناد واقع شد، برای ممانعت از تغییر بدون دلیل موضع توسط یک طرف، می باشد. از آنجا که ریشه آن استوپل (منع قانونی ادعا) است، به عنوان دفاع قابل استفاده نیست، مگر آنکه مدعی علیه موضع خود را در نتیجه رفتار قبلی مدعی ایا سا " تغییر داده باشد... به نظرمی آید که قابلیت شمول دکترین به وضعیت مطروحه حاضر قبلاً" در این حوزه قضائی مورد رسیدگی واقع نشده است، لیکن ما معتقدیم قاعده بهتر اینست که هیچگونه انتخابی بین قرارداد دوشبه قرارداد ضروری نیست. هر دو طریق مطالبه خسارت می تواند در یک دعوی توأما " اقامه شود".

در برخی از حوزه های قضائی، چنانچه قیمت یا نرخ برای جبران خسارت در قرارداد تعیین شده، همان قیمت یا نرخ معیار قطعی تعیین ارزش خدمات ارائه شده واقع می شود. معیناً، اغلب به مدعی اجازه داده می شود که ارزش واقعی خدمات را، حتی اگر به مراتب بیشتر از قیمت قرارداد باشد، استرداد نماید. دلیل این امر ادر شرح قضائی زیر که قاعده مربوط در آن تشریح شده، می توان یافت:

" حال که قاعده کلی برای این است که در صورت ممانعت از اجرا، مدعی می تواند قرارداد را فسخ شده تلقی کند و بر اساس اجرات المثل بدون توجه به قیمت قرارداد، مطالبه خسارت نماید، چرا در صورتیکه فقط بهای بخشهایی از کل قرارداد پرداخت شده یا تصفیه گردیده، باید مقید به قیمت قرارداد باشد؟ این پرداختها فقط به شرطی تماماً " دریافت شده محسوب می شود که تماماً قرارداد اجرا شود. لیکن، اگر قرارداد فسخ گردیده، قیمت های تعیین شده در قرارداد نیز فسخ شده اند. این گفته بسیار بجاست که... "هرگاه مدعی علیه بخواهد با تلقی قیمت قرارداد بعنوان یک عامل محدود کننده خسارت مدعی میزان خسارت وی را محدود سازد، وی حقی را ادعا میکند که بر مبنای همان قرارداد می که خود نقض کرده استوار است".

به نظرمی رسد که قاعده اخیر الذکر بیشتر منطبق با فرضیه ای باشد که مبنای حق اقامه دعوی قرار میگیرد یعنی اینکه قرارداد فسخ شده تلقی گردیده و مدعی حتی المقدور در وضعیت اولیه خود قرارداد شود.

(نقل قول حذف شده) 77-91 at § 1459 supra Williston, 12

در پرونده حاضر، فسخ قرارداد توسط انرژی اتمی، اگرچه نقض قرارداد نبوده، با اینحال دیمیزاندمور اینترنشنال اس. آر. ال. را از تکمیل مابقی تعهداتش به موجب قرارداد مانع شده است. روشن است که انرژی اتمی با عدم پرداخت وجوه مقرر، قرارداد را نقض کرده است.

از آنجا که قرارداد دپرونده مورد بحث و اجرای آن تکمیل نشده بوده، بنابراین، خواهان می بایستی حق انتخاب جبران خسارت بر اساس نقض قرارداد دوبر اساس اجرت المثل را دارا باشد. بعلاوه، در تعیین میزان خسارت خواننده بابت خدمات ارائه شده قبلی، هیچگونه دلیل موجهی جهت قائل شدن تمیز بین قراردادی که طبق شرایط خود فسخ شده و قرارداد دیگری که بر اثر نقض، فسخ گردیده و یا بین قراردادی که کلاً اجرا شده و قراردادی که بعضاً اجرا گردیده، وجود ندارد. در هر یک از حالات فوق، هرگاه خواننده تعهداتش را نقض کرده باشد، خواهان مستحق دریافت خسارت است، و خسارات وارده بر خواهان، خواه بر اساس قرارداد تعیین شود یا بر مبنای ارزش خدمات انجام شده، تماماً قابل پیش بینی است. به نظر نمی آید دلیلی وجود داشته باشد که طرف خاسر نتواند نحوه مطالبه خسارتش را انتخاب کند - حداقل در موردی که هیچیک از طرق مطالبه خسارت منجر به دریافت خسارتی بیش از آنچه در صورت اجرای کامل قرارداد نصبش می شد، نمی شود. (۶)

لازم به تذکر است که در یک دعوی مشهور بین المللی، که ضمن آن ادعای شبه نحو تخیری، بابت خسارات نقض قرارداد دوبر اساس اجرت المثل، اقامه شده بود، هیئت داوری نظردا که علی رغم، وجود ادعای مطروحه و کاملاً قابل اجرائی بر اساس قرارداد، ادعای مبتنی بر اجرت المثل باید پذیرفته شود.

Lena Goldfields Arbitration §§ 23, 25 (1930) reprinted in
36 Cornell L.Q. 42, 50-51 (1950).

(۶) بعضی معتقدند که جبران خسارت بر مبنای اجرت المثل محدود به قیمت قرارداد است، برخی دیگر اظهار می دارند چنین محدودیتی وجود ندارد، رجوع شود به:

12 Williston, supra § 1459 at 84-86; § 1478 at 270-71

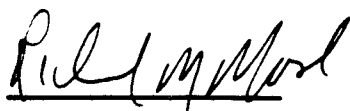
بر همین اساس، من معتقدم که خواهان ادعای مسموعی را بر اساس اجرت المثل، علی رغم این واقعیت که خدمات مزبور به موجب یک قرارداد معتبر اجرا شده، مطرح ساخته است.

خواهان، همچنین ادعای مسموعی را بر اساس صورت حساب ارزی مطرح ساخته است. همانطور که در بالا توضیح داده شد، چون صورت حساب ارزی مبتنی است بر توافق جداگانه و مستقل از قرارداد موجود خدمات موضوع صورت حساب ارزی، چنین ادعایی می تواند، صرف نظر از وجود یک قرارداد معتبر، اقامه شود.

با توجه به رای دیوان، لزومی نمی بینم که وادار این بحث شوم که آیا خواهان ادله و مدارک کافی در تائید ادعای خود بر مبنای اجرت المثل و صورت حساب ارزی تسلیم کرده است یا نه. مدارک موجود نزد دیوان حاکی از آنست که دیمزاند مور اینترنشنال اس. آر. ال. خدمات با ارزشی را برای انرژی اتمی انجام داده و خواهان مستحق دریافت اجرت آنست. با توجه به این نتیجه گیری، لزومی به تعیین این مسأله نیست که آیا صورت حسابی که انرژی اتمی بلاجواب گذاشته، در حکم صورت حساب ارزی است یا خیر. (۷)

بنا به دلایل پیش گفته، من بآرد ادعاها علیه انرژی اتمی به دلایل (عدم) صلاحیت مخالف و با بقیه حکم، که طی آن مبلغ ۲۰۸،۴۲۵ دلار با اضافه بهره به نرخ ۱۰ درصد برای خواهان منظور شده، موافقم.

لاسه، به تاریخ ۲۰ دسامبر ۱۹۸۳ برابر با ۲۹ آذر ماه ۱۳۶۲



ریچارد ام. ماسک

(۷) مضحک است که خواهان دیمزاند مور، در دیوان عالی ایالات متحده به اختیارات ریاست جمهوری ایالات متحده بموجب بیانیه های الجزایر در تعلیق اقدامات حقوقی خواهانهای آمریکایی در ایالات متحده علیه ایران، به نفع این دیوان ایراد گرفت و توفیقی نیافت و اکنون دیمزاند مور از رجوع به این دیوان، تا اندازه زیادی منع می شود. دیمزاند مور علیه ریگان، ۴۵۳ ایالات متحده ۶۵۴ (۱۹۸۱)